تریبون آزاد جانبازان

## نه کار دارم نه بیمه

**مهمان این هفته ستون تریبون آزاد جانبازان علی حسین جلیلی**

من سال ۱۳۶۴ در عملیات والفجر ۸ در فاو حضور داشتم که شیمیایی شدم و همچنین موج انفجار مرا گرفت. بعد از آن مشکلات جانبازی تا الان همراهم است. پرده گوش‌هایم پاره شده و مشکل شنوایی دارم. چند سال پیش که به دکتر رفتم گفت گوش‌هایت آسیب دیده و نیاز به جراحی دارد. همچنین به دلیل شیمیایی شدنم بدنم خارش دارد و چشم‌هایم ضعیف شده‌اند. دکتر چشم پزشکم گفته که چشم‌هایم ایراد دارد و شیمیایی و سمی شده است.

بعد از جنگ و با وجود تمام علائم جانبازی و شیمیایی که در بدنم بود بنیاد ۱۵ درصد جانبازی به من داد که این درصد بسیار پایین‌تر از مشکلات جسمی بود که همچنان با آنها دست به گریبانم. همان طور که می‌دانید یکی از معیارهای ارائه خدمات به جانبازان منوط به درصدشان است. بنابراین با وجود ۱۵ درصد جانبازی، بنده از حمایت‌های بنیاد در بسیاری از مسائل محروم ماندم.

همه کسانی که در خصوص مشکلات جانبازان، به خصوص جانبازان شیمیایی اطلاع دارند می‌دانند که وضعیت ما با گذشت زمان بدتر می‌شود. الان نه توان کار دارم و نه بیمه هستم. خودم نیز رفته‌رفته به دلیل ناتوانی جسمی شغلم را از دست دادم و اکنون بیکارم و از لحاظ اقتصادی به شدت در مضیقه هستم. فرزندانم جوان هستند و برای اشتغالشان با مشکل مواجه هستم و نمی‌دانم از چه طریقی کاری برایشان انجام دهم. مسئله اجاره‌نشینی و سایر مشکلاتم را به بنیاد اطلاع داده‌ام ولی تاکنون هیچ اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است.

چند سال پیش برای بررسی مجدد وضعیت جانبازی و سلامت به بنیاد درخواست دادم و الان سه سال است که پرونده در بنیاد شهید مانده و هیچ خبری از وضعیت آن ندارم. پرونده من در اختیار رئیس بنیاد جانبازان مسجد سلیمان است و امیدوارم تا از طریق این ستون صدایم را به گوش مسئولان مربوطه برسانم. من ساکن شهر مسجد سلیمان هستم و انصاف نیست دور بودن ما از پایتخت، باعث شود تا امثال من نادیده گرفته شویم و نسبت به وضعیتمان اهمال کاری صورت گیرد. به نظرم می‌رسد که مشکلات ما جانبازان شهرستانی بیشتر از عزیزان جانباز در شهرهای بزرگ باشد. خود من چند وقت پیش برای رفع بخشی از مشکلات مالی‌ام سعی کردم وامی را از بنیاد بگیرم اما آنقدر شرایط اخذ وام پیچیده بود و آنقدر سنگ جلوی پایمان انداختند که عطای گرفتن وام را به لقایش بخشیدم.

درخواست زیادی از مسئولان بنیاد ندارم و فقط انتظار مساعدت و همکاری از آنها دارم. اول اینکه برای بررسی پرونده جانبازی‌ام اقدامی انجام دهند تا از وضعیت مسکوتش در بیاید و اگر نیازی به تجدیدنظر در وضعیتم دارد زودتر پیگیری کنند.

گفت‌وگوی خبر نگار اعزامی «جوان» با محمد ناجی محمد نماینده پارلمان عراق و فرمانده تیپ موسی کاظم سپاه بدر

# الگوی سپاه بدر عراق دفاع مقدس ایران است

■ پویان شریعت

**انقلاب اسلامی ایران بیشترین حجم صدور شاخص‌های خود را در دوران دفاع مقدس به ثبت رساند و همان‌طور که از سراسر دنیا و شیعیان و مسلمانان و آزادگان را جذب کرد، به همان میزان دشمن هم پیدا کرد. دشمنان آن بیش از آنکه بخواهند درگیر شکستن انقلاب شوند، درگیر جلوگیری از صدور آن در سایر کشورها و در میان سایر ملت‌ها شدند. برای این موضوع از جنگ تحمیلی تا لشکرکشی‌های چند میلیونی و حتی ایجاد سازمان و گروهک‌های تروریستی دریغ نکردند. اما فراتر از همه این دشمنی‌ها، مهم‌ترین مسئله صدور فرهنگ مقاومت از ایران اسلامی و تثبیت شدن این فرهنگ به عنوان الگوی کامل در میان ملت‌های جهان است. امروزه با وجود مشکلات و مسائلی که منطقه خاورمیانه را دچار بحرانی جدید و جدی به نام تروریست‌های داعشی کرده است مشاهده می‌شود ملتی که فرهنگ مقاومت ما را به عنوان الگو انتخاب کرده است جلوی این تروریست زاییده آل سعود، اسرائیل و امریکا و همپیمانانش می‌ایستد. در سفری که به کشور عراق داشتیم، بعد از بازدید از مناطق آلوده و درگیر، با یکی از نمایندگان پارلمان عراق به نام محمد ناجی محمد ملاقات داشتیم که علاوه بر این سمت، فرماندهی تیپ موسی کاظم سپاه بدر را نیز عهده‌دار است لذا فرصت را غنیمت شمردیم و برای شناخت هرچه بیشتر ماهیت مقاومت مردم عراق و بررسی وضعیت کنونی این کشور گفت‌وگویی را با وی ترتیب دادیم.**

**برای شروع توضیحی در خصوص منطقه‌ای که در آن هستیم بدهید و با توجه به اینکه شما نماینده پارلمان عراق و عضو فراکسیون بدر در پارلمان عراق می‌باشید علت حضورتان در خط درگیری منطقه ابراهیم بن‌علی را بفرمایید؟**

منطقه‌ای که در حال حاضر در آن مستقر هستیم منطقه ابراهیم بن‌علی در شمال غرب بغداد است. بعد از ورود نیروهای گروه تروریستی داعش به عراق و سقوط شهرهای شمالی برای جلوگیری از دسترسی داعش به پایتخت عراق یک کمربند امنیتی برای بغداد در نظر گرفته شد. در این جا کمربند امنیتی را هضام می‌نامیم و می‌گوییم بن‌علی در هضام بغداد قرار دارد. در واقع این منطقه در میان استان الانبار و بغداد در شمال غرب بغداد واقع است. حدود ۱۰ روز پیش نیروهای تروریستی داعش از این منطقه به سمت کاظمین حرکت کرده و در کاظمین خمپاره‌اندازی کردند و در کنار آن بمب‌گذاری کاظمین حاصل همین نفوذ بود. از طرفی این منطقه، منطقه‌ای استراتژیک محسوب می‌شود و علتش را می‌توان وجود آن در کمربندی بغداد ذکر کرد و از دیگر دلایل آن وجود مناطق ابوغریب، زراعه دجله، شیخ عامر و در نهایت ضابطیه در همسایگی منطقه بن‌علی است. در نتیجه با توجه به اینکه فتوایی مبنی بر جهاد صادر شد و در کنار آن ولی فقیه دستور مقاومت و مقابله با تروریست‌های داعش را صادر کردند حقیر تیپ موسی کاظم که متشکل از نیروهای هجدالشعبی که مانند بسیجیان شما می‌باشند را تأسیس کرده و برای حفاظت و مقاومت وارد این منطقه کرده‌ام. به خاطر وجود این تیپ که مسئولیت آن به عهده من است باید در مناطق حضور یابم و سرکشی و تماس داشته باشم.

**به عنوان مسئول و فرمانده تیپ موسی کاظم سپاه بدر و یک رزمنده بدری قدیمی ابتدا توضیحی در خصوص چگونگی سازماندهی این نیروها و پس از آن مقایسه‌ای و توضیحی از بروز فرهنگ مقاومت انقلاب اسلامی ایران و دفاع مقدس ایران در ساز و کار رزمندگان بدر در شرایط کنونی عراق و منطقه برایمان بفرمایید؟**

بدر نیرویی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی و مواجهه استکبار جهانی به نمایندگی صدام و از طرفی تبعیت رهبر شیعیان و مجاهدان عراقی یعنی شهید صدر از امام، با هجرت مجاهدان عراقی به ایران تشکیل شد و در راستای اهداف انقلاب اسلامی و منویات ولی فقیه در حال مجاهدت می‌باشد.

**در طول ۳۰ سال گذشته حتی با توجه به قطعنامه ۵۹۸ بدر دست از مجاهدت‌های خود برنداشت و همواره در راه ولایت و ائمه و اسلام و خدا حرکت کرده است.**

شهیدان بدر اثبات این ادعا می‌باشند. اما اگر بخواهیم از ساز و کار نیروهای مقاومت و بروز فرهنگ مقاومت رزمندگان ایران که در دفاع مقدس شکل گرفته و صادر شده است، سخن بگوییم باید زمان زیادی را صرف کنیم تا مورد به مورد به آن بپردازیم.

ولی در حالت کلی بدر سازمانی نظامی نیست؛ بدر یک تفکر است که مجاهد تربیت می‌کند و قبل از اینکه نیرو در معرکه نظامی امتحان پس دهد، باید در محضر خدا آماده شود. تیپ‌های بدر بعد از فتوا و حضور نیروهای مردمی تعدادشان بیشتر شد و بعد از اینکه وضعیت عراق وخیم شد تصمیم گرفتم تیپ موسی کاظم را راه‌اندازی کنم.

تیپ موسی کاظم که بعد از فتوا تشکیل شد، قسمتی از آن به منطقه شیخ عامر یا ضابطیه منتقل شده و تقریباً از روز استقرار تاکنون هر روز درگیری دارند. بهترین شکل سازماندهی را رزمندگان و فرماندهان ایران در دوران دفاع مقدس داشته‌اند. شکلی که با توجه به زمان و فرصت پیش‌رو می‌تواند بهترین بازدهی را بگیرد. همین الگو را که بحث به کارگیری بسیجیان و سازماندهی و آموزش و اعزام می‌باشد در این جا نیروهای قدیمی بدر که با رزمندگان ایرانی کار کردند رعایت کرده و به منصه ظهور رساندند. اما با توجه به اینکه نیروها بسیجی هستند، یعنی قوات هجدالشعبی می‌باشند و فرصت آموزش بسیار کم بوده است احتیاج به آموزش بیشتری دارند. در کنار تیپ موسی کاظم یک تیپ که تمام نیروهای آن را بسیجیان عراقی تشکیل می‌دهد، وجود دارد. نام آن تیپ کرار است که فرمانده آن هم از بدری‌های قدیمی می‌باشد. هجدالشعبی مثل بسیج ایران است و ما از همان مدل الگو گرفتیم. با فرق اینکه بین ارتش و سپاه بدر تقسیم گشته و ابلاغ و دستور خود را از نخست‌وزیر عراق می‌گیرند. در واقع اگر بخواهیم به درست‌ترین شکل بگوییم پشتیبانی را ارتش، سازماندهی را بدر و فرماندهی را دولت عراق برای این نیروها می‌کند.

محمد ناجی محمد فرمانده تیپ موسی کاظم سپاه بدر

با توجه به اینکه مثلاً تیپ کرار متعلق به بدر است به ارتش سپرده می‌شود و فرمانده آن را یکی از بچه‌های بدر که از فرماندهان ارتش شده است به عهده می‌گیرد.

**به غیر از سازماندهی و هدایت چه الگویی را از دفاع مقدس ایران گرفته‌اید؟**

یکی از مسائلی که در دوران دفاع مقدس از نیروهای ایرانی صادر شد و به عنوان الگو استفاده می‌شود، تشکیل تیپ‌های رزمی در مناطق بحران با نیروهای بومی بود. این ویژگی را در این جا در تیپ کرار رعایت و از نیروهای بومی استفاده کرده‌ایم. بیشتر نیروها بومی و تعدادی متعلق به العماره هستند.

**شما از فرهنگ مقاومت در صحبت‌ها بسیار یاد کردید و نام بردید و منشأ آن را ایران می‌دانید. مثالی برای بروز و ایجاد این فرهنگ و گرفتن نتیجه یا پیروزی از آن دارید؟**

هنگامی که تروریست‌های داعش به این منطقه ورود پیدا کردند، یک وضع و هرج و مرج بدی در منطقه به وجود آمد. این منطقه هم ساکنان اهل تسنن دارد و هم شیعه یعنی یک دهکده شیعه دارد و یک دهکده سنی. منطقه‌ای که اهل تسنن در آن هستند بنی‌زید نام دارد. هنگامی که داعش به آنجا رسید، فرهنگ مقاومت بود که شیعیان را به این منطقه روانه کرد و باعث شد شیعیان با کمترین امکانات عملیات کنند و نگذارند منطقه سقوط کند. حال این فرهنگ ریشه در عاشورا دارد، اما امام خمینی، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بود که این فرهنگ را به این شکل زنده و احیا کرد و در اختیار شیعیان قرار داد. مناطقی که تا چند روز گذشته بین عراق و تروریست‌ها دست به دست می‌شد، به برکت فرهنگ مقاومت امروز پاک شده است و مناطق آلوده هم تحت عملیات رزمندگان مقاومت هستند.

**ولایت فقیه در میان مجاهدان بدر از چه جایگاهی برخوردار است؟**

امروز نیروهای بدر را می‌توان به دو نسل تقسیم کرد؛ نسل اول قدیمی‌ها و نسل جدید نیروهای جوان و تازه. نیروهای قدیمی به مراتب شناختشان از ولایت فقیه بسیار بیشتر از جوان‌ها است. بدر به این مسئله معتقد است ولایت فقیه ادامه ولایت رسول‌الله می‌باشد و در این راه همه چیز خود را فدا کرده است. اما نیروهای جوان از آن شناخت ریشه‌ای که قدیمی‌ها برخوردارند، برخوردار نیستند. برای این مسئله باید کار شود. همان طور که در زمان دفاع مقدس در گردان‌ها، تیپ‌ها و لشکرها روحانی‌ها و طلبه‌ها حضور پیدا می‌کردند و این طور مسائل را برای رزمندگان باز و آنها را توجیه می‌کردند تا از یک شناخت عمیق برخوردار شوند، امروز همین مسئله در بدر نیاز است و طلبه‌ها باید همان کار را انجام دهند. اما در کل این ولایت فقیه است که منشأ حرکت بدر است و اعتقاد بدر از رزمندگان قدیم و جدید، به ولایت فقیه است. ان‌شاءالله که بتوانیم در این راه قدم برداریم و دستورات ایشان را اطاعت کنیم.

نگاه

گذری بر خاطرات ۳۲ سال گمنامی شهید عبدالله جبارزارع در گفت‌وگوی «جوان» با مادر شهید و خواهر شهید

## دوست دارم یکسره قربان شوم

■ صغری خیل‌فرهنگ

همه آنچه از شهید عبدالله جبارزارع، اهل اصفهان می‌دانستیم، تنها چند سطر بوده که از لابه‌لای خاطرات مادرانه و خواهرانه شهید تفحص کرده‌ایم. شهیدی که زمزمه همیشگی‌اش این بود: «یکسره قربان شوم.» مادر شهید با لهجه شیرین اصفهانی، به ما می‌فهماند که پس از ۳۲ سال دیگر چیزی برای گفتن ندارد. ما خیلی دیر به سراغش رفته بودیم و چقدر زود دیر می‌شود.

به هر حال، این بار هم شهید گمنام دیگری را می‌جوییم. میان دلتنگی و هجران و انتظار ارتباط برقرار می‌شود و صدای هق‌هق گریه‌های بتول شیروانی مادر شهید مفقودالپیکر عبدالله زارع از پشت تلفن، دلمان را می‌سوزاند اما برای شناخت عبدالله راهی جز مرور خاطرات یک مادر چشم انتظار نداریم. شهدایی که قامت راست کردند تا قامت خم نکنیم، ایستادند تا صلابتمان همیشگی باشد.

شهید عبدالله جبار زارع، یکی دیگر از همان سربازان گمنام امام خمینی (ره) بود که با ندای رهبرش راهی جبهه‌ها شد. ولایت‌پذیری تنها یکی از خصوصیت‌های مردان جهاد فی‌سبیل‌الله بود. ولایت‌پذیری که ما را در هشت سال دفاع مقدس با آن همه هجمه و فشار، به آنجا رساند که وجبی از خاک کشور به یغما نرفت. همه اینها به دلیل مجاهدت و حماسه‌سرایی مردان مبارز پیر خمین بود. آنچه در پی می‌آید، تنها روایتی است از زندگی تا شهادت مبارز اصفهانی شهید جاویدالاثر «عبدالله جبارزارع» که به دلیل کهولت سن مادرش، بتول شیروانی، خواهر این شهید ما را در مصاحبه یاری رسان بود.

***

ما هفت خواهر و برادر بودیم. پنج خواهر و دو برادر. پدرم هم کارگر کارخانه بود. پدر خیلی با زحمت و همت والایی که داشت، در پی کسب رزق حلال بود. شهید فرزند سوم خانواده بود. خیلی مؤمن و متعهد و اهل نماز و مسجد و هیئت بود.

عبدالله از زمان اعزام تا شهادتش سه مرتبه به جبهه‌های حق علیه باطل رفت. یک بار هم مجروح شد. عبدالله از سال ۱۳۶۱ رفت و دیگر برنگشت. او در عملیات محرم جاویدالاثر شد. خوب به خاطر دارم، تاسوعا و عاشورا در هیئت امام حسین (ع) بود، بعد از اربعین حسینی، ساکش را آوردند و به ما گفتند، شهید شد.

مادرم زیاد رضایت نداشت که عبدالله به جنگ برود. مادر بیشتر دوست داشت که او درسش را بخواند. نگران و ناراحت عبدالله بودند، اما پدرم راضی بود، می‌گفت برو به سلامت، اما مادر می‌گفت: درست را بخوان، از راه درس به مملکت خدمت کن. اما عبدالله معتقد بود که امروز و این زمان، زمان جنگ و دفاع از وطن است. درس را زمانی که جنگ به امید خدا به پایان رسید، می‌توان خواند. باید امروز برویم.

عبدالله مجرد بود. ۲۳ ساله بود که شهید شد. خبر شهادتش را هم بستگان که از ما زودتر متوجه شده بودند به ما اطلاع دادند. یکی از دوستان عبدالله فامیل ما بود. او به بستگانمان گفته بود که عبدالله شهید شده، برادرم در دارخوین روی مین رفته بود. گویی با چند نفر از دوستان و همرزمانش عهد بسته بودند اگر یکی از آنها مجروح یا شهید شد، دیگران باید او را همراه خود ببرند. دوستش گفته بود

ما می‌خواستیم عبدالله را با خود بیاوریم که فرمانده اجازه نداد. گفت: برای یک نفر، چند نفر باید شهید بدهیم. بچه‌ها هم باید دستور فرمانده را اطاعت می‌کردند. ولایت‌پذیری در جبهه جنگ همین است. آخرین لحظه هم عبدالله به دوستانش گفته بود مادرم، راضی به آمدنم نبود. بعدها خیلی به خوابمان می‌آمد. شبی خواب دیدم به خانه‌مان آمده، همه‌مان دنبال عبدالله راه افتادیم، عبدالله رفت کنار قطعه شهدای اصفهان در گلزار شهدا و گفت: «من جایم اینجاست، شما بروید دیگر!» مادرم همیشه کوکو تهیه می‌کند و به یاد شهید می‌خوریم. عبدالله خیلی کوکو دوست داشت. برادرم همیشه برایمان مداحی و عزاداری حسینی به پا می‌کرد.

کیفش را که آوردند، تمام دفترها و وسایلش خیس شده بود. مداحی‌ها و نوحه‌هایش داخل ساکش بود. چون لحظه شهادتش را دوستان و همرزمانش دیده بودند برای ما مشخص بود که عبدالله شهید شده، اما پیکری به دستمان نرسید. لحظه شهادتش هم پایش پیچیده و روی مین رفته بود. می‌دانیم که شهید شده است، اما خب شرایطش نبود که پیکرش را به عقب بیاورند. خود عبدالله اینگونه دوست داشت. همیشه می‌گفت: «قربون قرآن بشم، یکسره قربان بشم.»

**عبدالله از زمان اعزام تا شهادتش سه مرتبه به جبهه‌های حق علیه باطل رفت. یک بار هم مجروح شد. عبدالله از سال ۱۳۶۱ رفت و دیگر برنگشت. او در عملیات محرم جاویدالاثر شد. خوب به خاطر دارم، تاسوعا و عاشورا در هیئت امام حسین (ع) بود، بعد از اربعین حسینی، ساکش را آوردند و به ما گفتند، شهید شد**

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۴۳۷۷

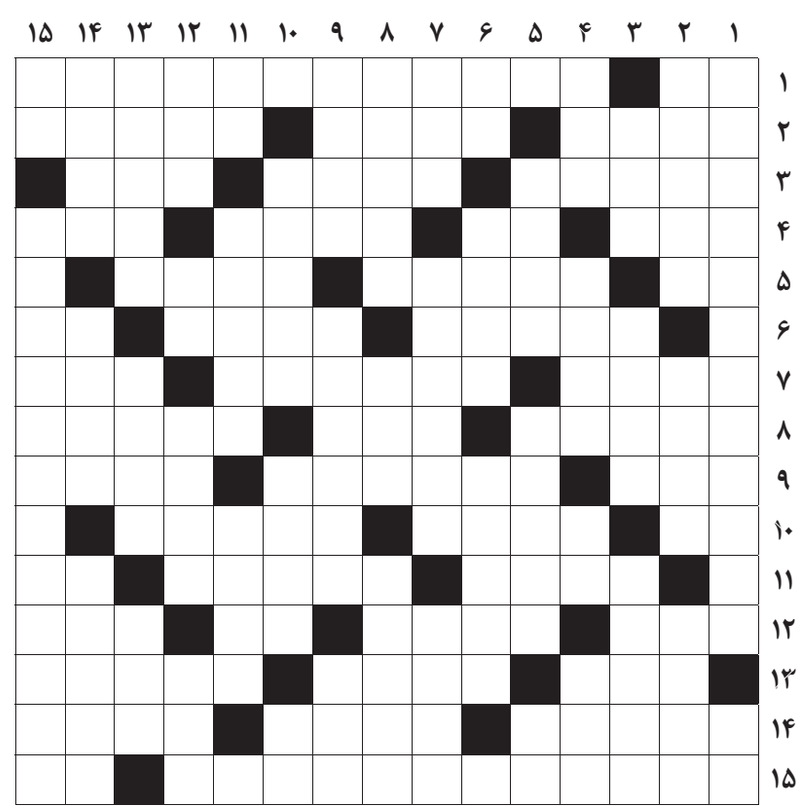

### از راست به چپ

■ ۱- حسرت کویر- یکی از یادگارهای علمی و فلکی خواجه نصیر الدین طوسی، فیلسوف، ریاضیدان و منجم بزرگ دوره ایلخانی ■ ۲- کشتی ژاپنی- فهرست نویسی پیش از انتشار کتاب- ورشکستگی ■ ۳- نام مسی، ستاره فوتبال دنیا- اصلاح عکس- کوه دست نیافتنی ■ ۴- درد و رنج- از سوره‌های مکی- پسر خورشید در اوستا- از القاب فرنگی ■ ۵- تلخ- الماس گلی رنگ- جاده هموار شن‌ریزی شده ■ ۶- از سبک‌های شعری ادبیات فارسی- صفحه‌آرایی- حرف فقدان ■ ۷- بلند؛ مقابل زیر- گدای سمج- چکامه ■ ۸- چراغ پایه‌داری که با روغن می‌سوزد- آخرین کلمه قرآن- روزانه ■ ۹- چینه‌دیوار- در جنگ‌های قدیم برای پرتاب سنگ یا گلوله‌های آتش به کار می‌رفته- اثر وردی، آهنگساز ایتالیایی ■ ۱۰- دشمن دانا که ... جان بود/ بهتر از آن دوست که نادان بود- آبزی خوشمزه- خویشاوند نزدیک مقتول که برای خونبها اقدام می‌کند ■ ۱۱- بی‌درنگ- بندری در شمال- مادر عرب زبان ■ ۱۲- نام دبیر کل سازمان ملل- ارزیاب- بنده و شما- از کار برکنار کردن ■ ۱۳- دارو- ورزش تمرکز حواس- صبحانه نخورده ■ ۱۴- غسل مخصوص عیسویان- چاقوی آشپزخانه- حیوان گوشتخوار با پوستی نرم و لطیف ■ ۱۵- بازیکن نوک خط حمله فوتبال- طاقچه بالا

### از بالا به پایین

■ ۱- شهرستانی در استان کرمانشاه- تپانچه ■ ۲- دستگاه تولید آبجوش در کارخانجات بزرگ- دردها- اقامه دعوی ■ ۳- مظهر نرمی- آشکار و هویدا- پدیدار ■ ۴- آزمون و تست- رودی که در کنار آن فرزندان رسول اکرم را با لب تشنه به شهادت رساندند- ترک استخوان- نشانه ■ ۵- فیلم مهرجویی- پشت سر هم- مروارید ■ ۶- از آلات موسیقی- اندامی از گیاه که برگ و جوانه و میوه روی آن قرار می‌گیرد- آهنگر ■ ۷- پاسخ منفی- واسطه رفع اختلاف میان دو نفر- امتیازی در کاراته ■ ۸- شاخه‌ای از علم فیزیک که به مطالعه خواص نور، تولید و انتشار آن در دستگاه‌های بینایی می‌پردازد- درجه‌ای در رشته‌های رزمی- زمان طولانی ■ ۹- سرباز نیروی دریایی- مایعی که برای مصرف خارجی روی پوست به کار می‌رود- نوعی یقه ■ ۱۰- از اسلحه‌های سرد که اکنون جنبه تشریفاتی دارد- دریا- مادر لر ■ ۱۱- بنده و شما- از نیروهای چهارگانه ارتش- پهلوانان ■ ۱۲- مدارا کردن- واحد بازی والیبال- آبادی درون صحرا- رهبر سوریه ■ ۱۳- شقایق- بوی خوش- غضب ■ ۱۴- سوره چهل قرآن- دور از انتظار- بیماری وبا ■ ۱۵- معاون فراری هیتلر- کتاب اطلاعات عمومی

### جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | ۷ | | | ۸ | | ۱ | | ۹ |
| ۲ | | ۸ | | | ۵ | | | |
| | ۵ | | ۷ | | ۳ | | ۲ | |
| ۹ | | | | | | | ۱ | |
| | | ۵ | | ۴ | | ۹ | | ۲ |
| ۷ | | | ۱ | | | | | |
| ۸ | | | | | ۱ | | | ۵ |
| | ۶ | | | ۹ | | | ۸ | |
| | | ۴ | ۵ | | | ۲ | | ۱ |

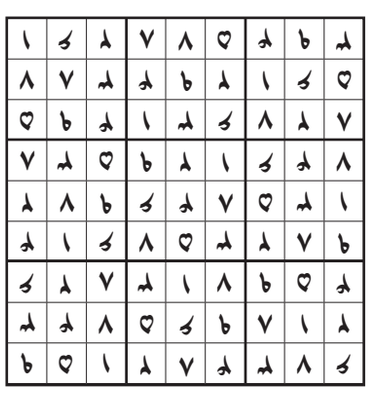

### جدول کلمات متقاطع
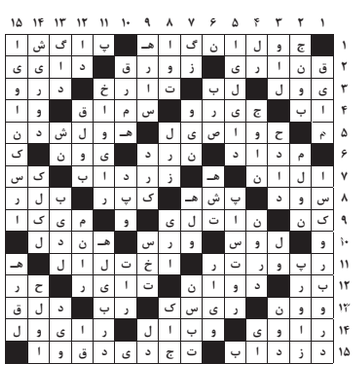
پاسخ جدول شماره ۴۳۷۶